

تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران مشروطه بر تن‌پوش مردمان عصر قاجار

دکتر زهرا رهبرنیا

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه الزهراء (س)

پریسا نیک‌چری

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

دوره پایانی حکومت قاجار، دورانی سرشار از فراز و نشیب‌های سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید. اختلافات سیاسی، ناکارآمدی نظام حاکم بر کشور و آشنایی با مظاهر تمدن نوین مغرب زمین، زمینه‌های انقلاب مشروطه را در ایران فراهم آورد. اندیشه محوری تجدد و ترقی خواهی پیشروان مشروطیت، فرهنگ و آداب و رسوم مردمان این دوران را تحت تأثیر قرار داد و بسیاری از سنت‌ها و عقاید پیشین را کمرنگ کرد. پوشاک نیز به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه، در مقابل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دستخوش تغییرات چشمگیری شد.

مقاله پیش‌رو با روش مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی، توصیفی و تحلیلی سعی دارد با مطالعه عوامل عمده مؤثر بر تغییر اسلوب پوششی زنان و مردان دوره قاجار در عصر مشروطیت، مانند تأسیس مدارس نوین، آزادی مطبوعات، ماهیت مردمی ادبیات مشروطه، انجمن‌ها و مجامع سری، افزایش مراودات با اروپاییان و رواج افکار غربی و لیبرالیستی در جامعه، ابعاد و چگونگی این تحولات را روشن نماید.

در نهایت تحولات فرهنگی و اجتماعی دوران مشروطیت که سبب تسلط افکار تجددطلبانه و نفوذ فرهنگ غرب در جامعه ایران شد، پوشاک را به‌عنوان یکی از مظاهر اصلی فرهنگ، دستخوش تغییرات چشمگیری کرد و آن را به سوی الگوهای اروپایی سوق داد. همین‌طور تأثیر قلم تجددخواهان در دگرگونی حجاب و پوشش زنان مشهود است.



انقلاب مشروطیت، کانون تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اواخر دوره قاجار به شمار می‌رود. آشنایی فرهیختگان جامعه ایران با مدرنیته و پیشرفت‌های نوین جوامع اروپایی و در پی آن، تکاپوی انقلابیون مشروطه‌خواه برای دستیابی به این نوآوری‌ها در ایران، سبب نفوذ و اشاعه فرهنگ غرب در اجتماع این دوران گشت. آزادی‌های مدنی و اقدامات پیشروان مشروطیت برای اصلاح و نوسازی حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان، نویدگر آغاز تحولات فرهنگی در ایران شد.

آشنایی با جریان‌های فکری جوامع مدرن و عناوینی چون مساوات و حقوق فردی و اجتماعی، موجب وقوع رویدادهای نوینی در جامعه شد. انتشار اندیشه‌های روشنگران و تجددطلبان در ادبیات و مطبوعات زمان، تأکید بر حقوق زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، گسترش سفرهای ایرانیان به اروپا و افزایش واردات و ارتباطات با کشورهای غربی، از جمله وقایع مهم این دوران به شمار می‌روند که پیرامون آن‌ها پژوهش‌های متعددی موجود می‌باشد. اما پوشاک به‌عنوان نمادی فرهنگی و بخشی از زندگی مردم که تحت تأثیر این رخدادها، دستخوش تغییر گشت، مورد بررسی دقیق واقع نشده است. اگرچه برخی مقالات و کتب پیرامون پوشاک زنان دوره قاجار، شیوه زندگی آنان، کشف حجاب و زمینه‌های وقوع آن، نگاهی شده‌اند اما به تحولات اسلوب پوششی زنان و به‌ویژه مردان این دوره، به‌طور انحصاری پرداخته نشده است. از این‌رو، مقاله حاضر، عوامل فرهنگی و اجتماعی که در پی جریانات مشروطه، موجب تغییراتی در تن‌پوش‌های مردمان دوره قاجار گشت، مطالعه خواهد کرد. به‌طوری که در ابتدا مختصری از سیر تجددطلبی سیاسی در دوره قاجار و در پی آن، تحولات اجتماعی و فرهنگی حاصل از آن ذکر خواهد شد.

در ادامه نیز عوامل عمده‌ای که ابتدا، افکار و سپس پوشش زنان و مردان این دوره را تحت‌الشعاع قرار داد، بیان می‌شود. چنانکه مدارس نوپدید مختلط، انجمن‌های سری و ادبیات متجددین، پوشاک زنان را از حجاب کامل، چادر و روبند به لباس‌های اروپایی مبدل کرد و افزایش سفرهای سیاسی و تحصیلی دانشجویان و دولتمردان به اروپا و تغییر در ترکیب واردات اجناس متنوع اروپایی از جمله پوشاک، تن‌پوش مردان را از قبا و فینه به کت، ژلیت و لباس‌های وارداتی، متحول ساخت. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و تاریخی و روش گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای بوده است.

سیر تجددطلبی سیاسی در ایران عصر قاجار

از سال‌های آغازین سده نوزدهم میلادی، در پی گسترش رابطه خارجی ایران با دولت‌های اروپایی، اندیشمندان و سیاستمداران واقع‌بین ایرانی، فرصت و امکان آن را یافتند که با دیگر نظام‌های سیاسی آشنا شوند و به مقایسه و ارزیابی نظام سیاسی حاکم بر ایران با آنان بپردازند. اقدام اینان که حاصل شرایط تاریخی بود، سبب رویارویی نظام‌های سیاسی-اجتماعی برآمده از نوآوری‌ها (مدرنیته) با نظام‌های سنتی شده و چالشی عمیق پدید آورد. مضمون این چالش چنین بود: آیا نظام سیاسی حاکم بر ایران، توانایی آن را دارد که رویارویی با نظام‌های برآمده از نوآوری را تاب آورد و با شناخت منطق درونی دوران نو، به تحول و نوسازی ابعاد گوناگون حیات اجتماعی اقدام کند و روند انحطاط و زوال عمومی کشور را متوقف سازد؟ در غیر این صورت، کدام نظام سیاسی ظرفیت و توان تحقق این امر را دارد؟ تا پیش از انقلاب مشروطیت، نظام حاکم بر ایران، نظامی بود که در آن، سلطنت موروثی بود و قدرت در انحصار شخصی و مستقیم شاه قرار داشت. اجزای سیاسی، نظامی و اداری چنین نظامی، جزئی از مایملک شاه و بنابراین تصمیم‌گیری‌ها تنها از آن وی بود که بدون هیچ محدودیتی اعمال می‌شد و در برابر خویش نهاد تعدیل‌کننده‌ای نداشت. در چنین نظام سیاسی، مشارکت اجتماعی در قدرت، معنایی نمی‌یافت. این نظام سیاسی دیرپا، با افت و خیزهای

بسیار، در طی سده‌های متوالی به تدریج رو به انحطاط نهاد. در چنین شرایطی، ایرانیان با نوآوری‌های سیاسی ممالک غربی و مدرن آشنا شدند و به شناخت آن همت گماشتند. این شناخت که از آغاز سده نوزدهم میلادی تا زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. توصیف دیده‌ها، شنیده‌ها و یافته‌های افراد درباره حقوق فردی و اجتماعی، آزادی، مشارکت اجتماعی در قدرت سیاسی که زیرمجموعه تمدن غربی (مدرنیته) به‌شمار می‌رفت، در برمی‌گرفت. از سوی دیگر، مضامینی چون قضاوت، عدالت، مساوات و آزادی‌های مدنی مانند آزادی مطبوعات مطرح شد که در پی تحقق آن، میرزا صالح شیرازی، فن چاپ آموخت و چاپخانه را به ایران آورد و «کاغذ اخبار» را منتشر کرد. این نوید آغاز تحول فرهنگی در ایران بود.

بدین ترتیب، به آرامی سد نظری که در برابر تفکر سیاسی در ایران قرار داشت، شکسته شد و دشواری‌ها، بحران اقتصادی-اجتماعی و زیونی حاکمیت سیاسی در برابر استعمارگران، منجر به شکل‌گیری جریان فکری در کشور شد که می‌کوشید بر انحطاط و زوال کشور، غلبه کند و راه پیشرفت را به روی ایران و ایرانیان بگشاید و دوران روشنگری را آغاز نماید. در ادامه، اندیشمندان ایرانی، با تدوین و ارائه طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی در پی نوسازی همه‌جانبه حیات اجتماعی و نظام سیاسی کشور برآمدند.

میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، ناشر افکار قانون‌خواهی در ایران، که لیبرالیسم، تشکیل مجلس، و حاکمیت قانون بر جامعه را ضروری می‌دانست، یوسف‌خان مستشارالدوله و میرزا عبدالرحیم طالبوف از جمله روشنگران تجددطلبی بودند که با تلاش آنان، انقلاب مشروطیت ایران، در ۱۲۸۵ هـ.ش با هدف تحقق حاکمیت قانون و مشارکت اجتماعی در قدرت سیاسی و نهادی ساختن آن، به وقوع پیوست (خسروپناه، ۱۳۷۶، ۳۱۵). این انقلاب، در کنار تغییرات سیاسی، تحولات فرهنگی-

حجاب و تن‌پوش زنان نیز به سرعت رو به تغییر نهاد. ایران که پیش از این بر پوشاک سرزمین‌های دیگر تأثیرگذار بود، به سبب از هم گسیختگی‌های سیاسی، نمی‌توانست سبک لباس‌های کشورهای پیرامون را تعیین کند. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۳، ۲۵۹۲)

مدارس جدید و اعزام دانشجویان به خارج از کشور

پس از انقلاب مشروطیت، تمام احزاب و گروه‌های سیاسی و جنبش‌های تجددخواه، پیوسته رسیدگی به وضع آموزش و پرورش را مورد تأکید قرار می‌دادند. این پیگیری، برپایی نهادهای رسمی آموزشی چون وزارت علوم، وزارت معارف، سازمان‌ها و جمعیت‌های فرهنگی و مدارس نوبنیاد دخترانه و پسرانه و گاه مختلط را به دنبال داشت. برای نخستین بار در بسیاری از شهرها، اداره فرهنگ تأسیس و آموزش و پرورش دولتی رسماً فعال شد. در هر منطقه و هر زمان که اوضاع بر وفق مراد مشروطه‌خواهان بود، مدارس جدید نیز رو به گسترش می‌رفت. در آموزش و پرورش زنان نیز تحولاتی رخ داد و برای نخستین بار دختران و زنان توانستند به صورت رسمی در مدارس به تحصیل بپردازند. هرچه بر تعداد مدارس دخترانه و زنان باسواد و دانشمند افزوده می‌شد، عقاید آنان نیز دچار دگرگونی می‌شد و بنا به مقتضیات زمان تغییراتی در البسه خود می‌دادند. «صدیقه دولت آبادی ۱۳۴۰-۱۲۶۱» روزنامه‌نگار و یکی از فعالان مشروطه بود. او اولین زن ایرانی است که پس از مشروطه، بدون چادر از منزل خارج شد و نخستین فردی بود که با لباس و کلاه اروپایی در مجامع عمومی ظاهر گشت.

(رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۳، ۱۲)



تصویر شماره ۱: استادان اولیه مدرسه دارالفنون که اغلب کت، شلوار و کراوات به تن دارند. (قاسمی، ۱۳۷۷، ۲۴۸)

وی که همواره خواستار گسترش تحصیل به سبک اروپایی از دولت و وزارت معارف بود، در سال ۱۲۹۴ ه.ش مدرسه دخترانه «ام‌المدارس» را تأسیس کرد و یکی از فارغ‌التحصیلان مدرسه دخترانه آمریکایی تهران را که طبق فرهنگ و آداب اروپایی تربیت شده بود، به‌عنوان مدیر مدرسه خود برگزید. به تدریج، در پی آشنایی با افکار و عقاید غربی، رفع حجاب در رأس آزادی‌هایی قرارگرفت که در این مدارس نوبنیاد، به دختران داده می‌شد. پس از آن نیز، اعزام دانشجویان و مسافرت زنان به اروپا و زندگی به سبک و سیاق دیگر، طرز پوشش آنان را از چادر و لباس‌های متداولی که تمام بدن را می‌پوشاند، به پیراهن‌ها و کت و دامن‌های اروپایی تغییر داد. مردان روشنفکر نیز که تأثیر آزادی زن را در زندگی اجتماعی اروپا دیده یا شنیده بودند، در این نهضت زنان را یاری می‌دادند. (توانا، ۱۳۸۰، ۶۹ و قاسمی، ۱۳۷۷، ۲۳۸) از دیگر بانوانی که در تأسیس مدارس و ترویج فرهنگ و پوشش اروپایی بین زنان دوره مشروطه نقش داشت، «ماهرخ گوهرشناس ۱۳۱۷-۱۲۴۹ ه.ش» معلم اواخر دوره قاجاریه و اوایل پهلوی بود. وی علی‌رغم عقاید متدینین که مدارس جدید دخترانه را زمینه‌ساز بی‌حجابی می‌دانستند و با آن مخالفت می‌کردند، مدرسه «ترقی بنات» را تأسیس نمود که هم شاگردان و هم

اجتماعی قابل توجهی را نیز به همراه داشت. علاقه به تعلیم و تربیت و تأسیس مدارس دخترانه، ماهیت مردمی و ضد استبدادی ادبیات مشروطه، آزادی مطبوعات پس از اعلام مشروطیت، تماس‌های فرهنگی و بازرگانی با اروپائیان و رواج افکار غربی و لیبرالیستی، از عواملی به‌شمار می‌روند که ابعاد مختلف حیات اجتماعی مردم ایران را تحت تأثیر قرار دادند. طرز پوشش افراد نیز با تغییراتی که در افکار و شیوه زندگی آنان در حال وقوع بود، دچار تحولاتی شد که بیشتر گرایش به الگوهای غربی داشت. در ادامه به مطالعه برخی از عناصر محوری این تغییرات در تن‌پوش مردمان دوره قاجار، خواهیم پرداخت.

تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران مشروطه و تغییرات تن‌پوش مردم در این دوران مدت‌ها پیش از مشروطه، یعنی در دوران حکومت ناصرالدین‌شاه که عصر پذیرش فرهنگ اروپایی بود، لباس ایرانیان به پیروی از فرهنگ و تن‌پوش اروپائیان، تغییر عمده‌ای کرد. میل به اصلاح و تغییر لباس و فرهنگ پوشاک مردم ایران که در زنجیره اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ریشه داشت و تحولات اقتصادی که موجب رکود و ویرانی صنعت نساجی شد، خواه ناخواه اسلوب پوششی مردم را نیز تحت الشعاع قرار داد.

در دوران مظفرالدین‌شاه نیز مضامینی چون تقلید لباس به میان آمد و تب اروپایی پوشیدن، اروپایی فکرکردن و اروپایی زندگی کردن در بافت افکار و آرزوهای بسیاری از افسار ایرانی رسوخ کرد. اولین نشانه شیوع این تب، تقلید ظاهری از اروپائیان بود. مشروطیت، نوگرایی و افکار تجددطلبانه، تراکم اروپائیان در ادارات دولتی، تأسیس مدارس جدید و اعزام بیش از پیش دانشجویان به خارج از کشور و مضامینی که در مطبوعات این دوره مطرح می‌شد، سبب تحولاتی در تن‌پوش مردمان دوره قاجار شد. بسیاری از مردم به‌ویژه مردان، جامعه اروپایی را پذیرفتند و به‌رغم مخالفت سنت‌گرایان،



می‌نمودند. کت‌های آنان که بلند بود و تا به زانو می‌رسید، یقه‌ای انگلیسی از دو جنس متفاوت داشت. با این وجود، کاربرد کلاه نمدی سیاه رنگ مخصوص قاجاریان که به شکل استوانه‌ای کوتاه بود، در کنار لباس مدرن و رسمی، نشان متمایز دولت‌مردان ایرانی به‌شمار می‌رفت. با استناد به زندگینامه‌ها و خاطرات برخی از این دولتمردان، می‌توان گفت تغییر لباس و عادات پوششی آنان در اسلوب البسه همسران و فرزندانشان نیز تأثیر گذاشت.



تصویر شماره ۳: عبدالله مستوفی و هیأت سفارت کبرای ایران در لندن با لباس رسمی (مستوفی، ۱۳۷۱، ۶۲)

ادبیات مشروطه و آزادی مطبوعات
همراه با ظهور مشروطه، مسائلی چون آزادی، مساوات، افکار و اندیشه‌های نوآورانه به‌ویژه در حوزه زنان و حقوق اجتماعی آنان در ادبیات و مطبوعات این دوران مطرح شد. اندیشه‌های نظری در رابطه با مسأله

معلمیان آن مختلط بوده و به سبک اروپایی اداره می‌شد. (توانا، ۱۳۸۰، ۲۱۸) «یحیی دولت‌آبادی ۱۳۱۸-۱۲۴۲ ه.ش» نویسنده و پیشگام فرهنگ نوین در ایران، که یکی از بزرگترین رجال عصر مشروطیت محسوب می‌شود، از جمله بنیانگذاران مدارس جدید در ایران به‌شمار می‌رود. وی که در ابتدا ملبس به لباس روحانیت بود همواره خاطر نشان می‌کرد که تمایلی به پوشیدن لباسی که نتوان آن را در همه‌جای دنیا استفاده کرد، ندارد و تغییر لباس خود را که به‌خصوص در زمان متحدالشکل شدن تن‌پوش مردان و زنان در دوره پهلوی اول، از افتخارات خود بر می‌شمارد. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ۴۰)



تصویر شماره ۲: یحیی دولت‌آبادی، با لباس روحانیت و پس از تغییر آن (www.fa.wikipedia.org، ۹۲/۴/۱۱)

از دیگر اندیشمندان و روشنفکران مشروطه می‌توان به «سید احمد کسروی تبریزی ۱۳۲۴-۱۲۶۹ ه.ش» اشاره کرد که از سنین نوجوانی برای درآمدن به لباس روحانیت، تحت فشار قرار گرفته بود و چنان که خودش اظهار می‌کرد، از این اتفاق ناخرسند بود و رنج می‌کشید. وی که در ۱۲۹۴ ه.ش، به مدرسه آمریکاییان در تبریز رفت و سپس به حزب دموکرات پیوست، عمامه و لباس روحانیت را کنار گذاشت و از کت و شلوار، کلاه و کراوات استفاده کرد و به استقبال اسلوب پوششی غرب رفت. (توانا، ۱۳۸۰، ۶۴)

روشن است که حضور بانوان در مدارس جدید تحت قوانین و بنیادی غربی و مدرن بود و لذا البسه متداول یعنی شلوارهای گشاد، پیراهن‌های قاجاری، چادر و روبند آنان به‌کناری نهاده شد و تن‌پوش‌های روزمره زنان اروپایی مانند کت‌ودامن، پیراهن و انواع کلاه رواج بخشیده شد. مردان نیز برای حضور در مجامع و محافل علمی، پیراهن، کت و شلوار و کراوات را جایگزین قباها و نیم‌تنه‌های خویش نمودند.

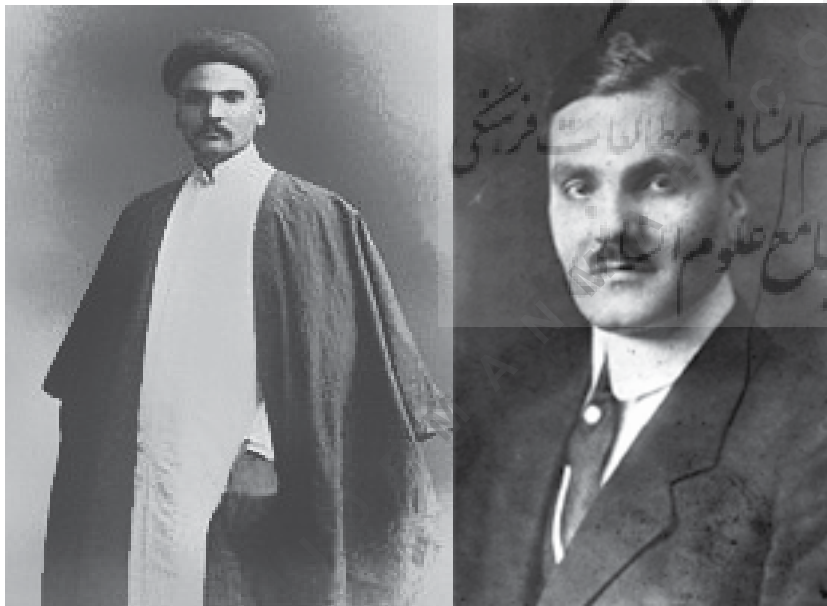
اعزام دولتمردان قاجاری به کشورهای خارجی

در پی اعزام بیش از پیش دولتمردان به خارج از کشور برای توسعه روابط خارجی و ارتقای علوم و فنون، سفرا و کارمندان سفارت ایران، برای رفتن به کشورهای اروپایی، توسط افراد آگاه در این زمینه، آداب و رسوم زندگی اروپایی و طرز لباس پوشیدن آنان را فرا گرفته و از این نوع پوشش، غالباً در مراحل دیگر زندگیشان نیز استفاده می‌کردند. «عبدالله مستوفی ۱۳۲۹-۱۲۵۷ ه.ش» از سیاستمداران و نویسندگان این دوران، پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه سیاسی، در وزارت خارجه ایران شروع به کار نمود. وی در شرح سفر خود به روسیه، از لباس‌های شیک و مد روز هیأت ایران که توسط بهترین خیاطان پترزبورگ دوخته شده بودند، سخن می‌گوید و ذکر می‌کند که حتی پس از دو سال که به لندن سفر کرده بودند، لباس آنان هیچ از تن‌پوش‌های شیک مردان لندن پست‌تر نبوده است. (مستوفی، ۱۳۷۱، ۹۴)

هیأت سفارت ایران در تمام سفرها به کشورهای خارجی، از لباس رسمی متشکل از پیراهن‌های سفید با یقه‌های ایستاده و آهاردار، جلیقه، کراوات و کت و شلوار، استفاده

و روبنده سرودند. این اشعار که رابطه دین را با حجاب انکار می‌کرد و رویکردی تجدیدی داشت، از سوی مردم مورد استقبال قرار گرفت، در محافل عمومی خوانده شد و به گفت‌وگوهای روزمره مردم وارد گردید و به تدریج در افکار و طرز پوشش آنان نیز تأثیر گذاشت. (جوادی یگانه و عزیز، ۱۳۸۸، ۱۰۷)

اکثر متجددین علت عقب‌ماندگی زنان را در نداشتن سواد و جهل آنان می‌دانستند. در نظر آنان سواد بود که زنان را به نقش خود آگاه کرده و به آن‌ها می‌فهماند که تفاوتی با مردان ندارند و جزئی از یک پیکره بشریتند و در نتیجه نیازی به پوشاندن رو در حضور آنان نیست. این مضمون به کرات در اشعار شاعران این دوره مشاهده می‌شود. در سال‌های پس از مشروطیت، در پی آزادی بیان در مطبوعات، نشریات زنان نیز گسترش پیدا کرد. گرچه روزنامه‌ها و مجلات زنان در سال‌های اولیه انتشار، پابندی خود را به سنت حفظ می‌کردند اما به مرور این روند تغییر یافت و توجه به عناصر مدرن در آن‌ها افزایش یافت. از نشریات فعال در این زمینه، نشریه «زبان زنان» و مجله «عالم نسوان» بود که با مطرح کردن مسائلی چون دموکراسی اجتماعی، تساوی حقوق زن و مرد و وضع زندگی و فعالیت‌های زنان غربی، فرهنگ کنارگذاشتن حجاب و پوشش‌های قدیمی را در میان مردم رواج می‌دادند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳، ۱۳۴ و جوادی یگانه و عزیز، ۱۳۸۸، ۱۱۰). نوشته‌های طالبوف و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و نویسندگان تجدیدخواه روزنامه‌های فارسی خارج از کشور، نظیر اختر، پرورش، ثریا، حبل‌المتین و حکمت که تمایل شدید به علوم جدید غربی، اندیشه‌های سیاسی اروپایی، افکار آزادی‌خواهانه، ضد استبدادی و تجدیدطلبانه داشتند، افراد جامعه آن دوران را با فرهنگ و اسلوب زندگی کشورهای متمدن در تماس قرار می‌دادند. این تماس‌ها در طرز پوشش آنان نیز نمود می‌یافت. یکی از این افراد «حسن تقی‌زاده ۱۳۴۸-۱۲۵۶ ه.ش» بود که تحت تأثیر همین نوشته‌ها، با اینکه در خانواده‌ای روحانی پرورش یافته بود، به تدریج شیفته فرهنگ غرب گشته و برای ترویج این اندیشه‌ها، محفلی روشنفکرانه در تبریز تشکیل داد. او لباس روحانیت را کنار گذاشت و شیوه زندگی و پوشش غربی را برگزید. وی از رهبران انقلاب مشروطیت و رجال سیاسی بحث‌برانگیز آن دوران بود. (تقی‌زاده، ۱۳۶۸، ۴۸)



تصویر شماره ۴: سیدحسن تقی‌زاده در لباس روحانیت و پس از کنار نهادن آن (www.fa.wikipedia.org، ۹۲/۴/۱۱)

از آنجایی که برخی از مشروطه‌خواهان راه حل آزادی زنان را در رفع حجاب و تغییر تن‌پوش‌های آنان می‌دانستند، خود پیشرو این تغییر می‌شدند. از جمله صدیقه دولت‌آبادی و همکارانش که از ناشرین عقاید مدرن و طرفداران آزادی زنان بودند، برای نخستین بار

زنان، حجاب و طرز پوشش آنان، ابتدا در افکار میرزا فتحعلی آخوندزاده و عبدالرحیم طالبوف، نویسندگان این دوره به چشم می‌خورد که ریشه اسلوب پوششی زنان و استفاده از چادر را در فرهنگ اعراب دانسته و خواستار آزادی حضور زنان در اجتماع می‌شوند. با پذیرش تجدد و ورود نهادهای مدرن، وضعیت زنان کشورهای متمدن نیز مورد توجه تجدیدخواهان قرار گرفت. برخی از این توجهات، ابتدا تنها به توصیف زنان آن دیار در اشعار متجددین منحصر شد، توصیفات که در آن شیفتگی و حیرت به فرهنگ و ماهیت زن نیز موجود بود.

از سوی دیگر، افکار، اندیشه‌ها و مطالبات سیاسی افراد و احزاب تجدیدطلب از طریق شعر و ادبیات، که گاه در مطبوعات و نشریات زمانه جای می‌گرفت، با مردم کوچه و بازار نیز ارتباط پیدا کرد. البته از آن‌جا که اخذ تمدن فرنگی، بر مبنای تقلید در فروع و حواشی بود و نه تلاش برای فهم اصول و انطباق آن با وضعیت جامعه سنتی ایران، عموم نظریه‌پردازان، جامعه غربی و تقلید از آن را مدنظر داشتند. از آن‌جایی که شعر مشروطه، در جریان انقلاب و پس از آن، نقش مهمی در تجدد و آزادی‌خواهی داشت و خواسته‌های مردمی را متبلور ساخت، برخی مفاهیم در آن مورد بازبینی قرار گرفت. از جمله این موارد، می‌توان به تغییر نقش زن اشاره کرد. زن این بار نه در قامت معشوق، بلکه به مثابه انسانی که دارای حقوق است و در حق او اجحاف شده، به مضامین ادبی وارد شد. انتقاد از بی‌هنری زنان، عزلت‌نشینی و محبوس بودن آن‌ها در خانه‌ها و حجاب مرسوم آن دوران رواج یافت. مسأله حجاب، از آن‌جا که ارتباط تنگاتنگی با دین داشت، مورد مناقشه بیشتری قرار گرفت.

برخی شاعران نظیر میرزاده عشقی (۱۳۳۰-۱۲۷۲)، عارف قزوینی (۱۳۱۲-۱۲۵۸)، ایرج میرزا (۱۳۰۴-۱۲۵۰) و محمدتقی بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۶) اشعاری در مذمت حجاب و ضرورت برداشتن چادر





تصویر شماره ۵: تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه پس از تغییر پوشش خود، (www.en.wikipedia.org، ۹۲/۴/۱۱)

بنابراین دیگر شرکت در مجامع با حجاب، چادر و تن پوش های سنتی برای اعضای آن ها مقدور نبود. پس زنان با البسه روز یا پیراهن های شب و ملزومات میهمانی های اروپایی در مراسم انجمن ها حضور می یافتند و مردان با کت و شلوار، پیراهن های سفید، کراوات یا پاپیون های خود، ایشان را همراهی می نمودند.

اروپاییان ساکن ایران افزایش مراودات با غرب عصر قاجار و به ویژه دوران مشروطیت، بدون شک عصر نفوذ و اشاعه فرهنگ غرب در جامعه ایرانی است. این اشاعه فرهنگی، هم در بعد مادی (ابزار و تکنولوژی و...) و هم در بعد فرهنگ معنوی (باورها، ارزش ها و...) قابل مشاهده است. در این دوران، اروپاییان به قدری در تاروپود سیاست داخلی و خارجی ایرانیان نفوذ کرده بودند که به آسانی تمهیدات فرهنگی خود را در

بدون حجاب در اجتماع ظاهر شدند و از الگوهای غربی در البسه خود استفاده کردند. مردان نیز تحت تأثیر افکار نوین غربی و ادبیات سنت ستیز زمان، رو به استفاده از تن پوش های اروپایی آورده و پوشاک سنتی خود را ترک گفتند.

مجامع و انجمن های سری

نخستین تشکیلاتی که با هدف ترویج فرهنگ غربی در ایران به وجود آمد، فراماسونری نام داشت که به تدریج از میان اقشار مختلف جامعه، عضوگیری می کرد و با نفوذ در ارکان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی، به جریان سازی می پرداخت. در دوران مشروطه، انجمن های سری این چنینی، از رونق خاصی برخوردار شدند و بیشتر سران آزادی خواه و تجددطلب مشروطه از اعضای این نوع محافل سری بودند. در واقع انجمن ها و مجامع، در ایران به صورت حلقه هایی بهم مربوط و زاینده فراماسونری بودند. به موازات رونق گرفتن انجمن های سری مردان، زنان تجددطلب و آزادی خواه نیز انجمن هایی تأسیس کردند که معمولاً زنان و دختران شاه یا وابستگان رجال سیاسی در آن ها شرکت داشتند. این انجمن ها منشأ جهت گیری به سوی فرهنگ اروپایی و پیشرو اقداماتی چون تغییر پوشش در مردان و رفع حجاب و رواج اسلوب غربی این دوران محسوب می شدند. در تهران در سال ۱۲۹۸ ه.ش، جمعیتی به نام «نسوان وطن خواه» شکل گرفت که شعار آن، فعالیت در راه آزادی میهن، حقوق زنان و به ویژه رفع حجاب و تغییر پوشش بود. (توانا، ۱۳۸۰، ۶۹) انجمن «مخدرات وطن ۱۲۸۹ ه.ش» نیز انجمن نیمه سری بود که برای اولین بار در ایران، در مجلس سیاسی و زنانه، اقدام به برگزاری مجالس ساز و نوا و رقص (گاردن پارتی) نمودند و در این مجالس، در کنار سخنرانی، نمایشنامه و برنامه های تفریحی و سرگرم کننده اجرا می شد و زنان و مردان با اسلوب پوششی اروپایی جدید خود در برنامه های آن شرکت می کردند. (خسروپناه، ۱۳۸۱، ۱۵۱)

از دیگر انجمن های مخفی این دوران، «انجمن حریت نسوان ۱۲۸۶ ه.ش» نام داشت که صدیقه دولت آبادی نیز عضو افراد آن بود. این انجمن نیز مختلط بود و مردان نیز در جلسات آن شرکت می کردند. از زنان خاندان سلطنتی، افتخار السلطنه و تاج السلطنه نیز از اولین اعضای این انجمن بودند. تاج السلطنه یکی از دختران ناصرالدین شاه بود، وی خود در خاطراتش ذکر می کند که در معرض تحولات فرهنگی دوره مشروطه قرار گرفته و تغییر لباس داده است. پوشیدن لباس فرنگی و کنار گذاشتن روسری و چادر، از دگرگونی هایی بود که در رفتار وی بعد از تحصیل زبان فرانسه و فعالیت های فرهنگی اش رخ داد. (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳، ۱۳۱) «بدرالدجی رخشان»، از پیشروان جنبش زنان مشروطه بود که در زمان مظفرالدین شاه، به تحصیل در مدرسه آمریکایی ها پرداخت و تحت تأثیر آموزش های مدرسه حجاب را کنار گذاشت. وی از پیشگامان کشف حجاب در ایران به شمار می رفت و برای اولین بار در سخنرانی خود در جشن فارغ التحصیلی این مدرسه، بدون حجاب ظاهر شد. وی اندیشه تشکیل انجمنی را در سر می پروراند که آن را «اتحاد خواهران انگلیس-ایرانی» می خواند. فکر وی آن بود که هر دو زن انگلیسی و ایرانی، به طور مشترک کار کنند، به طوری که هر هفته دوبار یکدیگر را ملاقات کنند و در باب آنچه برای کمک به زن ایرانی می توانست انجام گیرد، از جمله تغییرات در رویه زندگی و ظاهر آنان، تبادل نظر و گفت و گو کنند. آن گاه هر یک از آن دو، رهبری حلقه ای از زنان ایرانی را به منظور ترویج نتایج و دگرگونی های حاصل، به عهده گیرند. چرا که تعداد زنان اروپایی کمتر از آن بود که تمام اقدامات به عهده آنان قرار گیرد. (توانا، ۱۳۸۰، ۱۱۱)

محافل و انجمن های سری مشروطه خواهان، کانون نشر افکار تجددطلبانه و اشتیاق به تقلید از فرهنگ غربی به شمار می آمدند. یکی از مظاهر پیروی از آداب و رسوم اروپایی، حضور با ظاهر و پوششی متفاوت با سنت ایرانی-اسلامی در اجتماعات محسوب می شد.

که از مد افتاده بودند، به ایرانیان فروخته می‌شدند. به این ترتیب، جنس لباس‌ها نیز به مدل‌های غربی گرایش یافت و برش‌های اروپایی در تن‌پوش‌ها متداول شدند. مد بستن دستمال گردن نیز ترویج یافت. شاه نیز خود نیمه اروپایی و نیمه ایرانی لباس می‌پوشید. این تن‌پوش‌های مدل اروپایی توسط برخی از اروپاییان ساکن یا مقیم ایران و یا خیاطان پارسی که از کشور عبور می‌کردند، دوخته می‌شدند. ورود اروپاییان در قالب هیئت‌های سیاسی مانند مستشار، تاجر و محقق و تراکم آنان در ادارات دولتی، باعث سکونت آنان در ایران می‌شد. اینان در میان مردم از ارج و قرب بالایی برخوردار بودند و به طور مثال داشتن کلاه فرنگی، احترام اروپاییان را در چشم عوام بالا می‌برد. (یولاک، ۱۳۶۸، ۱۰۳)



تصویر شماره ۶: خانواده آرنست هولتسر، عکاس و مهندس آلمانی ساکن ایران در اصفهان با لباس اروپایی (هولتسر، ۱۳۵۵، ۳۴۲)

خانم «کلارا کلیور رایس» انگلیسی که همسر یکی از مسیونرهای جلفا بود که چهار بار قبل و بعد از جنگ جهانی اول (۱۲۹۶-۱۲۹۳ ه.ش) به ایران سفر کرده بود، در خاطرات خود از علاقه شدید برخی از زنان ایرانی به لباس‌های اروپایی سخن می‌گوید که نشان‌دهنده تأثیر تدریجی فرهنگ غرب بر فرهنگ ایرانی و اسلامی دوران پس از مشروطیت است. وی همچنین ذکر می‌کند که خانم‌های متجدد دربار، یک دست از لباس‌های آخرین مد لندن وی را خواسته بودند تا آن را امتحان کنند و اگر برانزده بود، برای تن‌پوش‌های خود الگو قرار دهند. (رایس، ۱۳۶۶، ۱۲۳) دالمانی از دیگر سیاحان این دوره نیز به پوشاک ایرانیان و تمایل آنان به تجدد در طرز پوشش خود اشاره می‌کند. از رواج یقه‌های سفید بلند آهاردار اروپایی برای پیراهن مردان و پیراهن‌های اروپایی زنان اشاره می‌کند.

گرددشگاه مورد علاقه روشنفکران، صنعتگران و هنرمندان تهرانی که در عین حال شیک‌پوش و خوش‌لباس نیز بودند، خیابان لاله‌زار بود که مرکز اصلی خرید و فروش اجناس لوکس پایتخت نیز به‌شمار می‌رفت. در سمساری‌های این خیابان، علاوه بر اجناس قدیمی، وسایل اروپاییانی که مأموریتشان در تهران تمام شده بود نیز به چشم می‌خورد. لباس‌های آخرین مد اروپایی این مغازه‌ها بود که دیر یا زود بر تن ایرانیان شیفته مدهای فرنگی، چشم‌نوازی می‌کرد. (برد و وستون، ۱۳۷۶، ۸۲) «ویپرت فون بلوشر»، از اعضای دستگاه دیپلماسی آلمان که یکبار در چند سال پس از مشروطه و در آغاز دوره پهلوی به ایران سفر کرده بود، از تغییراتی که در پوشش ظاهری ایرانیان رخ نموده بود، سخن می‌گوید. چنان‌که دنیای زنان در نظر وی تغییر چندانی نکرده بود و بسیاری از آنان هنوز چادرهای خود را به سر داشتند. در ضیافت‌های شام سفارت‌خانه‌ها مشروط به آنکه منحصراً اروپایی‌ها شرکت می‌داشتند و دعوتی از ایرانیان به‌عمل نمی‌آمد، تنها همسر «ناصرالملک»، یکی از وزرای اولین کابینه مشروطه، بدون حجاب ظاهر می‌شد. آن زن، بر حسب اصل و نسب و خلق و خوی خود،

میان ایرانیان طراحی و به اجرا می‌گذارند و بی‌شک یکی از این تمهیدات، تغییر لباس ایرانیان به‌شمار می‌رفت.

توجه به شیوه زندگی اروپایی تقریباً از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه شروع شد و بسیاری از خانم‌های متشخص که با بانوان خارجی ساکن تهران رفت‌وآمد داشتند، از وضع نشست و برخاست و اسلوب پوششی آنان تقلید می‌کردند. گاهی نیز البسه‌های خارجی دوخته‌شده‌ای را که از فرانسه، روسیه و کشورهای دیگر آورده می‌شد، بر تن می‌کردند. بدین‌سان دیگر زنان اجتماع نیز تحت تأثیر آنان قرار گرفته و هوس پوشیدن چنین لباسی را می‌کردند و از این طریق به تدریج زنان ایرانی با البسه اروپایی آشنا شده، تغییراتی در لباس خود می‌دادند. (جعفری و نجفی‌اصل، ۱۳۸۳، ۱۴۲)

پس از مشروطه که تحولات مهمی از لحاظ سیاسی و اجتماعی در زندگی ایرانیان پیش آمد، توجهی نیز از طرف آزادی‌خواهان و روشنفکران به‌وضع زنان ایران معطوف گردید و بانوان را دعوت به برانداختن رسوم و تقیدات کهنه و خانه‌نشینی، خودآرایی و ولخرجی نموده، تشویق و ترغیب به کسب علم و فضیلت و شرکت در امور اجتماعی کردند. در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه بود که مضامینی چون تقلید لباس به میان می‌آید و تب اروپایی پوشیدن، اروپایی فکرکردن و اروپایی زندگی کردن، در بافت افکار و آرزوهای بسیاری از اقشار ایرانی رسوخ کرد. اولین نشانه شیوع این تب، تقلید ظاهری از اروپاییان بود که تجددخواهان و روشنفکران مشروطه‌خواه از پیشروان آن بودند.

افزایش واردات اجناس اروپایی متنوع و فراوان از جمله لباس و منسوجات، نیز بر رواج تن‌پوش‌های غربی در میان زنان مردان ایرانی تأثیر داشت. در پی رکود و ویرانی صنعت نساجی در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، کیفیت پارچه‌های ایرانی به پستی گرایید یا به کل از بازار خارج شد و منسوجات خارجی جایگزین آن‌ها شدند. گاه پارچه‌های کارخانه‌های فرانسه



وضع و مقام خاصی در بین زنان ایرانی احراز کرده بود در حالی که بسیاری از زنان آلمانی که همسران ایرانی داشتند، نیز در برخی موارد نمی‌توانستند از چادر چشم‌پوشند. اما دنیای مردان در نظر نویسنده، نسبت به سال‌های گذشته جلوه‌ای کاملاً متفاوت پیدا کرده بود. مردان به جای لباده‌های بلندی که می‌پوشیدند و فینه‌های سیاهی که بر سر می‌گذاشتند، لباس و کلاه اروپایی بر تن می‌کردند. یقه بلند پیراهن که پیش از آن جزء لباس ایرانیان نبود، جایگاه خود را در میان تن‌پوش ایرانیان یافته بود. بلوشر خاطر نشان می‌کند که در پی جواب این سوال که آیا تنها پوشش و ظاهر مردم ایران تغییر کرده یا در طرز فکر آنان نیز دگرگونی‌هایی حادث شده بود، به گفت‌وگو و برخورد با مردمی از طبقات مختلف، پرداخته است. به گفته وی، بسیاری از جوانان، دانشجویان و روشنفکران ایرانی به شدت تحت تأثیر طرز فکر اروپایی بودند و در پی تغییر اسلوب پوششی خود، عقاید خود به دین و مذهب را از دست داده و افکارشان دگرگون شده بود. (بلوشر، ۱۳۶۳، ۱۸۰)



تصویر شماره ۷: سرگرمی‌های جدید اروپایی ایرانیان، کلوب بیلیمارد اصفهان (هولتسر، ۱۳۴۵، ۳۴۵)

سخنرانی‌ها که توسط مادام شافلاخر آمریکایی، نماینده انجمن زنان ترقی‌خواه آمریکا انجام شده بود، اشاره می‌کند. آن زن در گفته‌های خود، زنان ایرانی را به شناخت راه ترقی و پیشرفت، پیروی از رفتار بانوان آمریکایی در لباس پوشیدن، معاشرت‌های اجتماعی و روش رفتار با جنس مخالف، فرا می‌خوانده است. وی از زنان می‌خواسته خود را در ادارات دولتی وارد کنند و از اوضاع اجتماع آگاه و بهره‌مند باشند، چنانکه منگنه، سخنان او را زمینه‌سازی برای برداشتن حجاب و تغییر لباس می‌داند. (توانا، ۱۳۸۰، ۳۷) به موازات آنکه به اواخر دوره قاجار نزدیک می‌شویم، تغییر و تحول پوشاک و لباس ایرانیان چشمگیرتر شد. به طوری که جامه مردان و زنان تا حدود زیادی صورت اروپایی به خود گرفت و ایرانیان به قدری به اسلوب پوششی و آرایش اروپایی خو گرفتند که زنان بدون رژلب و رنگ چشم که به تازگی در میان آنان متداول شده بود، احساس ناراحتی می‌کردند. آخرین وارثان سنت خیاطی مجلل ایران، آن قبایل و ایلاتی بودند که به تعزیز جامه‌های اجدادی خود وفادار ماندند، اما با این وجود، حتی تن‌پوش‌های اینان که در نقاط مختلف ایران، از پوشاک سده‌های پیش استفاده می‌کردند نیز، در حال تغییر تدریجی بود. (فریه، ۱۳۷۴، ۱۶۹)

گزیده مطالب فوق شامل دسته‌بندی عوامل اجتماعی تغییر البسه مردمان در دوره مشروطه و تأثیرات آن‌ها بر پوشاک مردان و زنان در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پی مطالعاتی که در این تحقیق صورت گرفت، آن دسته از تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جریان‌های مشروطه‌خواهی ایران که بیش از دیگر وقایع به تغییر طرز فکر مردم و در ادامه به دگرگونی اسلوب پوششی آنان راه گشود، به اختصار بیان شد. به دنبال یکی از محوری‌ترین خواسته‌های روشنفکران مشروطه‌خواه، نهادهای رسمی چون وزارت علوم، معارف و مدارس نوین‌پیدا که گاه مختلط بودند،

عوامل اجتماعی تحول پوشاک	پیشروان	تأثیر بر پوشاک مردان	تأثیر بر پوشاک زنان
تأسیس مدارس جدید و اعزام دانشجویان به خارج از کشور	احمدکسروی، صدیقه دولت‌آبادی، ماهرخ‌گوهرشناس	استفاده از کت و شلوار، پیراهن و کراوات به جای قباوتن پوشهای قاجاری	کنار نهادن حجاب و چادر و استفاده از پیراهن‌ها، پوشاک و کلاه اروپایی
اعزام دولتمردان سیاسی به اروپا	عبدالله مستوفی	کمرنگ‌شدن جبه و نیم‌تنه به عنوان لباس رسمی رجال و جایگزینی کت، شلوار، جلیقه و کراوات با الگوهای متداول اروپایی	تأثیر نه‌چندان روشن بر پوشاک زنان خانواده رجال به دنبال سفرهای خارجی
ادبیات مشروطه و آزادی مطبوعات	سیدحسن تقی‌زاده، صدیقه دولت‌آبادی	دست کشیدن از البسه سنتی و گاه ترک گفتن لباس روحانیت و روی آوردن به اسلوب پوششی مدرن و غربی	ترک چادر و حجاب رایج زمان و استفاده از تن‌پوش‌های اروپایی
محافل و انجمن‌های سری	بدرالدی رخشان، تاج السلطنه	پوشیدن کت و شلوارهای اروپایی در همراهی با بانوان	استفاده از لباس و کت و دامن‌های روز اروپایی، پیراهن‌های شب و ملحقات برای شرکت در میهمانی‌ها
اروپاییان ساکن ایران و مراودات با غرب	درباریان، جوانان، دانشجویان و روشنفکران	فراگیری مد کت و شلوار، دستمال گردن و پیراهن‌های سفید با یقه‌های بلند آهاردار	استعمال منسوجات وارداتی، تقلید از البسه بانوان اروپایی و الگوبرداری و پیروی از تمام جزئیات پوشاک آنان

جدول شماره ۱: دسته‌بندی عوامل اجتماعی تغییر البسه مردمان در دوره مشروطه و تأثیرات آن‌ها بر پوشاک مردان و زنان
مأخذ: نگارندگان

در گردهمایی‌های این روشنفکران مشروطه‌خواه، گاه از اروپاییانی که به بهانه‌های مختلف به ایران می‌آمدند، برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل می‌آمد. «نورالهدی منگنه» روزنامه‌نگار، نویسنده و از پیشروان جنبش زنان ایران در دوران مشروطه، در خاطرات خود به یکی از این

از پیراهن‌ها، کت و دامن‌ها، کلاه‌ها و آرایش‌های اروپایی کردند. البته نقش مدارس جدید را که از ابتدا محصلین را بدون حجاب می‌پذیرفتند و با فرهنگ اروپایی تربیتشان می‌کردند، نمی‌توان در الزام به حذف حجاب نادیده گرفت.

در نهایت می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که تحولات فرهنگی و اجتماعی دوران مشروطیت که سبب تسلط افکار تجدیدطلبانه و نفوذ فرهنگ غرب در جامعه ایران شد، پوشاک را به‌عنوان یکی از مظاهر اصلی فرهنگ، دستخوش تغییرات چشمگیری کرد و آن را به‌سوی الگوهای اروپایی سوق داد. در همین راستا تأثیر قلم و ادبیات تجدیدخواهان در دگرگونی حجاب و پوشش زنان محرز است. ■

منابع:

- ۱- برد، اف-ال و هارولد وستون (۱۳۷۶) گشت‌وگذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، ترجمه علی اصغر مظهری، تهران: نشر جنان.
- ۲- بلوش، ویپر ت فون (۱۳۶۳) سفرنامه بلوش، ترجمه کیکاووس جهانماری، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۳- پوپ، آرتور و فلیس اکرم (۱۳۸۷) سیری در هنر ایران، جلد پنجم، ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸) سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانماری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۵- تقی‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸) زندگی طوفانی، خاطرات سیدحسین تقی‌زاده، به‌کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- ۶- توانا، مرادعلی (۱۳۸۰) زن در تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران: نشر برگ زیتون.
- ۷- جعفری، مقدس و عبدالله نجفی اصل (بهار ۱۳۸۳) «پوشش ایرانیان»، نشریه زبان و ادبیات، شماره ۵.
- ۸- جوادی یگانه، محمدرضا و فاطمه عزیزی (بهار ۱۳۸۸) «زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران، شعر مخالفان و موافقان»، نشریه جامعه‌شناسی ایران، شماره اول.
- ۹- خجازی، بنفشه (۱۳۸۸) تاریخ خانم‌ها، بررسی جایگاه زن در دوره قاجار، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- ۱۰- خسروپناه، محمدحسین (دی ماه ۱۳۷۶) «سیر تجدیدطلبی سیاسی ایران در عصر قاجار»، نشریه زبان و ادبیات، شماره ۱۴۴ و ۱۴۵.
- ۱۱- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱) حیات یحیی، تهران: انتشارات سوره.
- ۱۲- رایس، کلارا کولمبور (۱۳۶۶) زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۳- رمضان نرگسی، رضا (زمستان ۱۳۸۳) «زمینه‌سازی کشف حجاب در ایران، نقش صدیقه دولت‌آبادی»، فصلنامه بانوان شیعه، سال اول، شماره ۲.
- ۱۴- صالحی، نصرالله (۱۳۸۷) اندیشه تجدید و ترقی در عصر بحران، چاپ اول، تهران: انتشارات طهوری.
- ۱۵- خربه، ردبلیو (۱۳۷۴) هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- ۱۶- قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۷- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار.

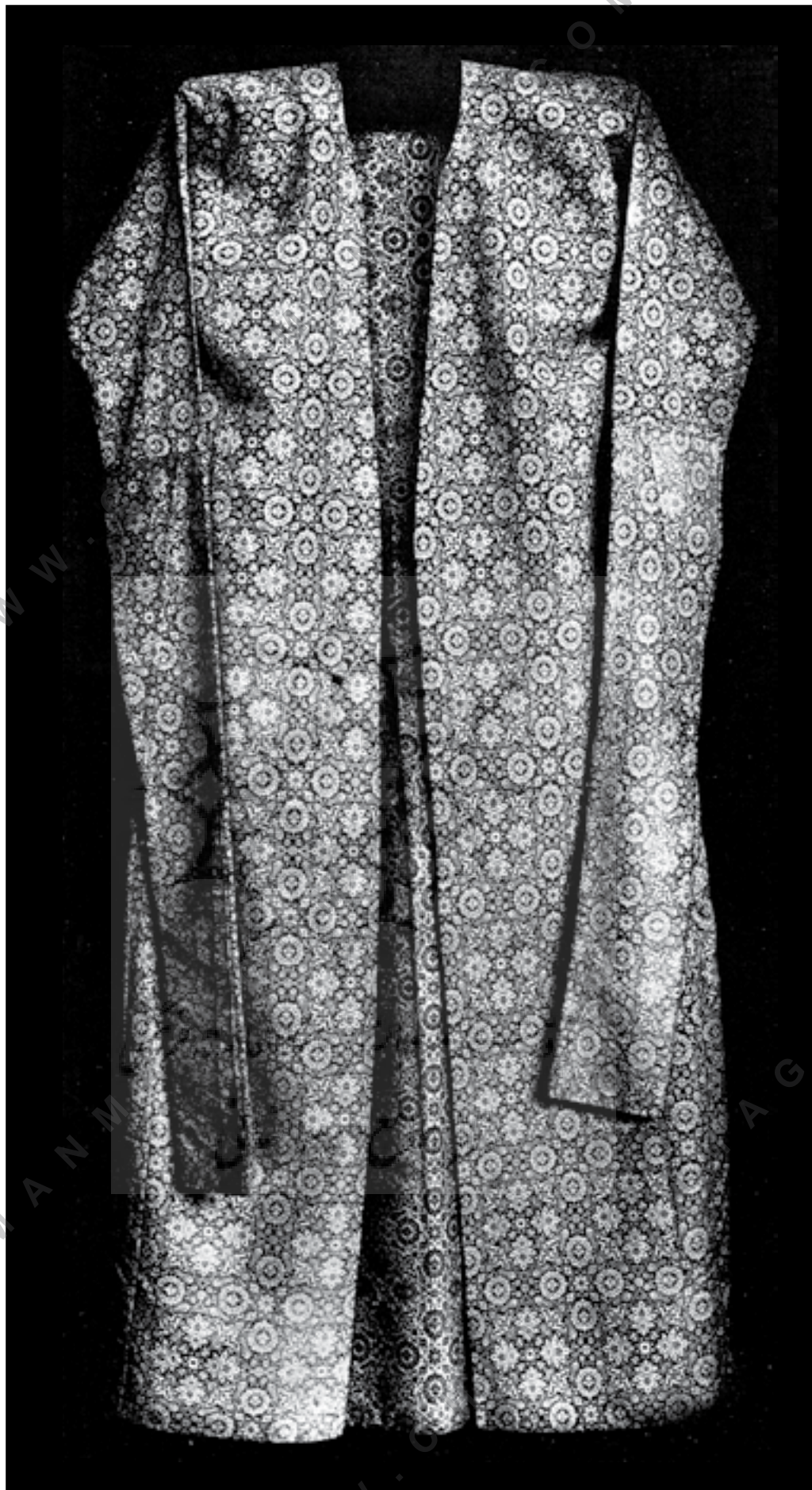
منابع تصویری:

- ۱- قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار.
- ۳- هولتسر، ارنست (۱۳۵۵) ایران در یکصد و سیزده سال پیش، ترجمه محمد عاصمی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ۴- ---، ۹۲/۲/۱۱، سیدحسین تقی‌زاده - یحیی دولت‌آبادی، بنیاد ویکی‌مدیا، www.fa.wikipedia.org
- ۵- ---، ۹۲/۲/۱۱، زهرا خانم تاج‌السلطنه، بنیاد ویکی‌مدیا، www.en.wikipedia.org

تأسیس گشتند که در آشنایی ایرانیان با نوآوری‌ها و پیشرفت‌های کشورهای متمدن نقش داشتند. افزایش سفرها به کشورهای خارجی، در پی اعزام بیش از پیش دانشجویان و هیأت‌های سیاسی به این کشورها، سوغات اشاعه فرهنگ و تفکر غربی را برای جامعه دوره قاجار، به ارمغان آورد. طرح مداوم مضامینی مانند بهبود وضعیت عمومی زندگی و فرهنگی، آزادی زنان و حضور آنان در اجتماع، مخالفت با باستان‌گرایی و ترغیب عموم به پیروی از فرهنگ اروپایی، اساس اخبار مطبوعات و نشریات قرار گرفت. بسیاری از پیشروان مشروطیت از جمله زنان، انجمن‌ها و نشریاتی را ایجاد کردند تا از این طریق، تجدیدطلبی و میل به نوگرایی را به جامعه تزریق کنند. بسیاری از عوامل و کارکنان محافل و مدارس جدید، اروپاییان ساکن ایران بودند که در قالب هیأت‌های سیاسی، تاجر و یا محقق به کشور آمده بودند که با رفتار و ظاهرشان نیز الگوی ایرانیان قرار می‌گرفتند.

با افزایش واردات اجناس متنوع خارجی از جمله منسوجات و پوشاک به کشور، تقلید ظاهری از اروپاییان را نیز آغاز شد. چنان‌که ابتدا مردان استفاده از تن‌پوش‌های پیشین خود را کنار گذاشتند و مد لباس آنان به کت، ژلیت و الگوهای اروپایی تغییر کرد. پیشروان و روشنفکران برجسته علاوه بر کت و شلوار، از کراوات، یقه‌های بلند و دیگر ملحقاتی که پیش از این جزء لباس ایرانی نبود، استفاده کردند. اسلوب پوششی زنان اما، با سرعت کمتری تغییر کرد چراکه در جامعه سنتی و مذهبی ایران، کنار گذاردن حجاب و کاربرد پوشاک غربی، کاری دشوار بود. با این حال، علی‌رغم مخالفت رهبران مذهبی دوره قاجار، با پیشروانی چون صدیقه دولت‌آبادی و بانوان جسور انجمن‌ها و محافل متجددان مشروطیت، برای کنار نهادن حجاب و پیروی از مد لباس اروپاییان، قدم پیش‌گذارند و به پیروی از آنان، زنان دیگر نیز شروع به استفاده





قبا با بافت مرکب، قرمز، با تارهای نقره، ساخت یزد
حدود ۱۰۰۰ هـ.ق، موزه فرهنگ‌سازی شرقی، مسکو، بلندای بخش‌های تکراری ۱۲ سانتیمتر
منبع: کتاب سیری در هنر ایران، نوشته آرتور یوپ